

رباعیاتِ بازیافتهٔ طالبِ اَملی *

دیوان طالبِ اَملی به‌اهتمام و تصحیح و تحشیه طاهری شهاب، کلیاتِ اشعار ملک‌الشعرا طالبِ اَملی (۱۰۳۶ هـ/۱۶۲۷ م) از کتابخانهٔ سنایی انتشار یافته است که شامل قصاید، قطعات، ترکیب‌بندها، مثنویات، جهانگیرنامه، غزلیات و رباعیات می‌باشد. اما چون از نسخه‌های گوناگون هند استفاده نشده، بسیاری از آثار این شاعر بزرگ بالخصوص رباعیات ناشناخته مانده است.

اینجانب از یک نسخهٔ خطی^۱ رباعیاتِ ذیل را یافته‌ام که در «کلیاتِ اشعار» چاپی گنجانیده نشده است:

اسبی سبکی که پای تا سر شکم است در آن حدوث است اگرچه قدم است
از حسرت جو که وجودش مرسد نشخوار زن جوال گاه عدم است

*

طالب چو رفیقِ سَفر آگاه است همراهی کن که کار خاطرخواه است
گامی بزن و رو بقفا کن کاینک توفیق قدم بر قدمت همراه است

در مدح نواب اعتمادالدوله العلیه العالیه^۲:

آنی که صفات تو چو ذات تو نکوست فیض نظرت مرتبی دشمن و دوست
از دیدن خصم تو برآید ز نیام شمشیر به‌طبع خویش چون مار از پوست

*

* استاد عابدی این مقاله را در تاریخ ۲۰۰۷/۴/۱۶ م به‌انجام رسانید.
۱. شمارهٔ ۶۸۴/۹، ذخیرهٔ سر شاه محمد سلیمان دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.
۲. چاپی: عنوان ندارد.

قصاب به‌نشر از رگت خون آورد ^۱	یا آب رخ دیده گلگون آورد
در بحر گفت چو نیش غواصی کرد	گوهر به‌لباس لعل بیرون آورد
*	
آهم رخ داغ را سیه می‌سازد	این دود دماغ را سیه می‌سازد
ایام که تیره می‌نماید بختم	گویی پر زاغ را سیه می‌سازد
*	
مجنونم و دانشم به‌تسخیر بود	کار فلکم جمله به‌تدبیر بود
زنجیر جنون بیای دارم اما	چشم خردم حلقه زنجیر بود
*	
از موی سرش بیای بندی فکنید	وز زلف بگردنش کمندی فکنید
آرایش روی او دو ابرو دارند	در آتش خوی او سپندی فکنید
*	
طالب که رفیق مفتی چه‌رم بود	در مجلس شان غرور نامردم بود
این را عزت بفضل می‌بود به‌مهر	او را حرمت بریش چون گندم بود
*	
گلشن بنوای بلبلت می‌سازد ^۲	محرا به‌نسیم سنبلت می‌سازد
بلبل به‌طراوت گلت می‌سازد	طاوس به‌چین کاکلت می‌سازد
*	
هم پیری و هم دانش و هم حالت نور	بر باغ دلش نکرده جز فیض عبور
بی‌عینک ظاهر از صفای باطن	شبهها خط پیشانی دل خوانده ز دور
*	
می‌تافت عنان طالع ناساز منش	یا سیل خلاف وعده شد راهزنش
می‌آیم و گفت در جوابم آری	می‌آید نیک بوی ^۳ ناآمدنش
*	

۱. چ: آرد.

۲. چ: نازد.

۳. چ: بویی لیک.

شبهها که به بزم دوست پیمانہ کشم^۱ از^۲ راندن سینه آه مستانه کشم
تا شمع رخس غیر نه نبیند هر دم خاکستر دل بچشم^۳ پروانه کشم

*

شبهها پی آه صبحگاهی رفتیم^۴ تا راه غمت چنانچه خواهی رفتیم
نی نی زلف تو در نظر بود مرا این^۵ بادیه را به این سیاهی رفتیم

*

ما سوخته مرغان جراحت نفسیم^۶ در اوج فغان دوش بدوش جرسیم
محبوس قفس نکرده ما را صیاد ما از پر و بال خویشتن در قفسیم

*

عمریست که در مجمره تن عودیم^۷ افسرده چو آتشکده بی دودیم
زنهار چنین بخاک راهم مگذار برگیر که آیینۀ گردآلودیم

*

با نفس همیشه حرب و ضربی دارم^۸ بی حربه به پیل مست حربی دارم

در آخر نسخه کاتب می نویسد:

”تمام شد این دیوان طالب آملی... بروز جمعه با تاریخ بست و ششم ماه
صفرالمظفر سال یک هزار و سه صد و بست و دو (۱۳۲۲) هجری، مطابق
سیزدهم ماه می ۱۹۰۴ عیسوی به مقام جی پور، باغ باجی صاحبه، بوقت نماز
عصر، بقلم احقر محمد علیم الدین... متوطن قصبه سهنه، ضلع گورگاون،
قسمت دهلی؛ اطلاع ضروری از کاتب لهذا.

۱. ج: کشیم.
۲. ج: وز.
۳. ج: بشمع.
۴. ج: رفتم.
۵. ج: وین.
۶. ج: نفسیم.
۷. ج: عودم.
۸. ج: داریم.

مدتها در جستجوی دیوانِ طالبِ آملی مصروف بودم... آخر... از کتابخانه مولوی سید دلاور علی صاحب، متوطنِ قصبه هاپور، ضلع میروت و سابق ناظم عدالت فوجداری راج الور، راجپوتانه، نسخه قلمی که بتاریخ دهم شهر ذیحجه سال یکهزار و دو صد هشتاد (۱۲۸۰) هجری، روز شنبه مطابق چهارم ماه اپریل ۱۸۶۴ عیسوی، به کتابت آمده دست داد و از آن این نقل برداشته شد.

از حالت و ضخامت اصل منقول عنه پیداست که جمیع کلام طالب را در آن اوراق مدون کرده‌اند... فاما افسوس که جزوی چند از قصاید مشموله این دیوان مفقود شده‌اند و از این باره مولوی صاحب... می‌فرمایند که صحاف باعث این خرابی شده، ماورای از این در اصل منقول عنه کاتب جابه‌جا در کتابت آنچنان غلطیها را به‌کاربرده که توان گفت الفاظ و مضمون را مسخ کرده. تا هم احقر هنگام نقل این نسخه، به قدر فهم خود، تدارک غلطیها بسیار به‌عمل آورده و جایی که درستی اغلاط از امکان برون ماند، بر حاشیه نشان داده...

به‌جست و جوی بسیار، از جایی دیوانِ طالبِ آملی کامل نوشته قدیم مستعار به‌دست آمد و از آن تکمیل نقص اوراق اولین این نسخه کرده شد.

چون نسخه مستعار به‌عجلت تمام صاحبش زود باز گرفت، از این رو در صحت اغلاط این نسخه سعی به‌کار نرفت... الاحقر محمد علیم‌الدین مقیم جی پور باغ باجی صاحبه رزیدنس، نگاشته سیزدهم ماه صفر ۱۳۲۳ هجری، مطابق سیزدهم ماه اپریل ۱۹۰۶ عیسوی، یوم جمعه بعد نماز عصر.

در آخر باید ناگفته نماند که یک نسخه خطی دیوانِ طالبِ آملی در موزه ملی دهلی نو به شماره ۵۶۰۴۰/۲ نگهداری می‌شود که دارای مهرهای شاهجهان و اورنگ‌زیب و شاه عالم با «عرض دیده شد» می‌باشد.